

نقش طراحی محیط در پیشگیری از وقوع جرم

بررسی نظریات محققین

رضا رحمت

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

email: rrahmat@gmail.com

چکیده

بیشتر جرم‌ها وقتی اتفاق می‌افتد که مرتکب فرصت را مناسب می‌بیند. این فرصت‌ها ممکن است به علت یک یا ترکیبی از چند عامل باشد مانند دسترسی آسان به نقاط دنج، نبود اهالی خانه، باغ پر از درخت و گیاه، نور و یا چشم‌انداز ضعیف که وجود متجاوز را کم‌رنگ‌تر می‌کنند. در بسیاری از مواقع واژه فرصت ارتکاب جرم در کنار امنیت به کار می‌رود. «امنیت یکی از اصلی‌ترین عوامل پایداری جوامع امروزی به شمار می‌آید. بدون ثبات و امنیت هیچ جامعه‌ای امکان رشد و تکامل را نخواهد یافت. بدون آن دستاوردهای مثبت جای خود را به پیامدهای منفی می‌دهند و ناگواری‌های اجتماعی فراوانی پدید می‌آیند. طراحی شهری نقش مهمی را در ایجاد امنیت یا ناامنی فضای زیستی شهری بر عهده دارد.»^۱ شهرهایی که در آن اصول صحیح طراحی رعایت نشده باشد، ممکن است آمار خشونت در آنها بیشتر باشد.^۲ این مهم به این دلیل است که معماری این شهرها، فرصت ارتکاب جرم را برای مرتکبین افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی

معماری، شهرسازی، طراحی محیط، پیشگیری از جرم، فضای قابل دفاع، امنیت

گواه

در پیشگیری از وقوع جرم، نظریه فضاهای قابل دفاع در خصوص کاهش فرصت‌های جرم به بحث می‌پردازد. از این‌رو شناخت این فضاها از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این تحقیق به بررسی و مطالعه نظریات مختلف در خصوص این فضاها و نقش تعیین‌کننده این فضاها در ایجاد امنیت از منظر صاحب‌نظران می‌پردازیم. در خصوص فضاهای قابل دفاع و نقش تعیین‌کننده آن در ایجاد امنیت و پیشگیری از جرم نظریه پردازان متعددی به بحث پرداخته‌اند. با توجه به سیر تکاملی این نظریات، در این مقاله در ابتدا به بررسی نظریات اولیه راجع به چگونگی پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیط^۳ و سپس بررسی نظریات نسل دوم CPTED خواهیم پرداخت.

الف - نظریه‌های محققین CPTED:

نسل اول

با افزایش میزان جرم و جنایت، معماران نیز به فکر چاره‌ای برای کاهش میزان ارتکاب جرم در سطح جامعه پرداختند. مسلماً از نظر این محققین پیشگیری از جرم چیزی فراتر از قفل کردن در و پنجره‌ها و استفاده از زده اطراف خانه بود. نظریات مرتبط با پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط با اندیشه‌های الیزابت وود شروع شد.^۴ در این خصوص اندیشمندان دیگری نیز با گذشت زمان به نظریه‌پردازی پرداختند. این نظریات در طول زمان با توجه به سلیقه‌ها، تجربه‌ها و مطالعات مختلف دستخوش تغییرات بود. در این گفتار بر حسب زمان ارائه نظریه به بررسی نظریات برخی از محققین در خصوص بحث پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط می‌پردازیم.

از نظریات مهم نسل اول می‌توان به استفاده از تسهیلات رفاهی، نظریه استفاده از الگوی قدیمی طراحی خیابان‌ها، نظریه فضاهای قابل دفاع، نظریه توزیع جنایت و نظریه مدیریت افراد و محیط اشاره داشت.

۱) استفاده از تسهیلات رفاهی

در اوایل دهه ۱۹۶۰ جامعه شناس آمریکایی - الیزابت وود - به بحث تحقیق در مورد مسکن پرداخت. اساس تحقیق او بر این پایه بود که طرح‌های مسکن به‌اندازه کافی نمی‌تواند به نظارت رسمی، مراقبت^۵ و غیره جهت جلوگیری از وقوع جرم کمک کند. او بر نیاز به مدیرانی تأکید کرد که بتوانند دوستانه و از نزدیک با شهروندان کار کنند و افکار خود را بر پیشرفت فیزیکی و طراحی مجدد فضاهای دولتی و نیمه

دولتی متمرکز کنند. همچنین او بیشتر وقت خود را صرف نوجوانان کرد. نظریه‌های او در رابطه با نوجوانان بر اساس این تصور بود که به دلیل عدم وجود مناطق تفریحی، آنها کم و بیش مجبورند که به «بیرون متوسل شوند» و در این راستا مرتکب تخریب اموال و محیط خود می‌شوند. راه حل او در این زمینه این بود که باید تسهیلات بیشتری فراهم شود که ضد تخریب باشند. همچنین پیشنهاد کرد که در هر ساختمان یک سرایدار استخدام شود. این فرد باید مسئولیت ارتباط بین مدیریت خارج و ساکنین آن و سازمان دهی و تنظیم فعالیت‌های ساکنین را به عهده داشته باشد.^۶

۲) نظریه استفاده از الگوی قدیمی طراحی خیابان‌ها

جان جاکوبز جدا سازی زمین‌های ایالات متحده را که در بخش‌های مختلف شهر مورد استفاده قرار گرفته‌اند، همچنین تمرکز بر استفاده از مراکز خاص را مورد انتقاد قرار داد. مناطقی از قبیل بخش‌های شهری، فرهنگی، خرید و غیره.^۷

همچنین به بررسی این موضوع پرداخت که خانه‌های جدید تنها در صورتی موفق خواهد بود که از الگوهای قدیمی خیابان‌ها با مصارف پیچیده پیروی کند. وی جهت نشان دادن این موضوع که چگونه پیشرفت‌های جدید خانه‌سازی به عنوان یک نقص و شکست بوده‌اند، توجه خود را به وقوع بالای جنایت معطوف کرد و عنوان کرد که:

۱-۱- مردم از ویژگی‌های طبیعی یک خیابان هستند و باید بتوانند به آن احاطه داشته باشند. باید این امکان وجود داشته باشد که از داخل ساختمان‌ها بتوان خیابان را دید، خیابان‌هایی که به سوی ساختمان هستند.

۱-۲- در جاییکه فضاهای عمومی، مانند: خیابان‌ها و پارک‌ها به میزان زیاد مورد استفاده قرار نمی‌گیرند میزان وقوع جنایات خیابانی بیشتر است. بنابراین پیاده‌روها باید به صورت مکرر دارای جمعیت پیاده باشند و چشم‌هایی باشند که دائماً به خیابان‌ها نگاه کنند. این موضوع می‌تواند با افزایش تعداد مغازه‌ها، رستوران‌ها و ساختمان‌ها که به صورت عمومی مورد استفاده قرار گیرند شکل بگیرد.

۱-۳- یک محله باید ترکیبی از افراد و خانه‌ها باشد. افراد پیر، افراد جوان، خانه‌های فقیر و ثروتمند، خانه‌های اجاره‌ای و اموال خصوصی مالکین این خانه‌ها. از نظر جاکوبز دو شرط اول را می‌توان از طریق طراحی برآورد کرد، اما دستیابی به دو شرط آخر کار بسیار مشکلی است.

۳) نظریه فضاهای قابل دفاع

اسکار نیومن در کتاب خود با عنوان فضای قابل دفاع، پیشگیری از جرم با استفاده از طراحی شهری^۸، نظریه‌های خود را بر اساس دستیابی به آمار مربوط به شکل فیزیکی خانه‌سازی در نیویورک قرارداد که شامل تحقیق در رابطه با تاریخچه ساکنین و جرایم ثبت شده در خانه‌هایی بود که مالکیت آنها برعهده مقامات خانه‌سازی نیویورک بود. این خانه‌ها بین دو تا ۳۶ طبقه بودند. او در طول تحقیقات خود به این نتیجه دست یافت که در ساختمان‌های بلند نسبت به فضاهای داخلی ساختمان‌های کوتاه درصد بیشتری از جرم رخ می‌دهد. او به این نکته اشاره می‌داشت که در جائیکه ساختمان‌های بلند برای افرادی بود که کودکان کمتر و درآمد‌ها و حقوق بالایی داشتند و زمانیکه این ساختمان‌ها توسط ابزارهای قوی امنیتی و نگهبانان محافظت می‌شوند، آمار جرم بسیار پایین بود.

تأکید اصلی نیومن، بر فضاهای قابل دفاع بود. فضاهای قابل دفاع نیومن چهار عضو اصلی طراحی داشت. این عناصر به صورت جداگانه یا در کنار هم در مفهوم فضای قابل دفاع نقش داشتند. این مفاهیم عبارتند از:

۱- قلمرو^۹ - نظارت ۲ - تصویر ساختمان ۳ - کنار هم قرار گرفتن تسهیلات مسکونی در کنار تسهیلات دیگر.

۱-۳- قلمرو^۹

نیومن معتقد بود که با استفاده از حصارهای واقعی یا نمادین می‌توان محیط‌های مسکونی را به مناطقی تقسیم‌بندی کرد و با استفاده از این عبارت می‌توان ساکنین را کنترل کرد که این حصارها به طور ضمنی در ذهن سایر افراد این را ایجاد می‌کند که: «این محدوده من است.» جابجایی و انتقال از یک فضای خصوصی (که کنترل آن راحت است) به یک فضای عمومی (که کنترل آن سخت است) بسیار حائز اهمیت است. جهت دستیابی به این موضوع موارد ذیل را پیشنهاد داد:

فضای داخلی و خارجی ساختمان‌ها باید تا آنجایی که امکان دارد تحت کنترل و نفوذ ساکنین باشد.

زمانی که از خیابان یا پیاده‌رو، فضاهای خارجی ساختمان دیده می‌شود، باید خصوصی یا نیمه‌خصوصی بودن آن مشهود و قابل رؤیت باشد. اما می‌توان از روش‌های نمادین مانند: تغییر سطح، طبقات، کلیدها، ورودهای تزئینی و غیره نیز استفاده کرد.^{۱۰}

در ساختمان‌های بسیار پیشرفته باید پله‌ها به گونه‌ای ساخته شوند که ساکنین همدیگر را بشناسند، اما موضوع مهم‌تر این است که مزاحمین شناخته شوند.





▲ افزایش نظارت با استفاده از پنجره ها: اسکار نیومن

مناطق مشترک خارجی _ مانند محدوده بازی، فضای سبز و پارکها _ باید تا آنجایی که امکان دارد قابل دسترسی باشند و به ورودی ساختمانها نزدیک باشند یا اینکه از طریق محدوده خصوصی داخل آنها شد.

۲-۳- نظارت^{۱۱}

نیومن یکی دیگر از عناصر تشکیل دهنده فضاهای قابل دفاع را نظارت طبیعی می‌داند. از نظر وی نظارت طبیعی را می‌توان از طریق طراحی ایجاد کرد. در این خصوص اسکار نیومن مواردی را پیشنهاد می‌دهد، که می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

۱-۲-۳ - در خصوص پنجره‌ها باید به این نکته توجه داشت که پنجره نباید جهت زیبایی طرح داخلی ساختمان قرار داده شده باشد، بلکه باید بتوان از طریق آنها مراقب فضاهای داخلی و خارجی ساختمان بود.

۲-۲-۳ - انتهای سه گوش کنار شیروانی خانه‌ها پلکانی باید پنجره‌هایی داشته باشد تا بدان وسیله بتوان خیابانها و فضای باز را دید.

۳-۲-۳ - ورودی جلوی ساختمان باید رو به خیابان باشد به گونه‌ای که با عبور عابرین پیاده

و راننده‌ها بتوان هر چیز جالبی که اتفاق می‌افتد را دید.

۴-۲-۳ - بهتر است ساختمان _ پله‌ها، لابی‌ها، کف زمین و غیره _ از خیابانی که خارج ساختمان قرار گرفته است قابل رؤیت باشد و در صورتی که اجازه داده شده باشد از طریق پنجره‌های واحدهای مسکونی نیز ساختمان واحدهای دیگر دیده شوند.^{۱۲}

۵-۲-۳ - پله‌های ضروری باید شیشه‌ای باشند و در خارج از ساختمان قرار گرفته باشند که بدان وسیله بتوان عابرین و پیاده را در جلوی ساختمان دید.

۳-۳- تصویر ساختمان^{۱۳}

استفاده مناسب از مواد خوب و طرح معماری مناسب نیز یکی دیگر از عناصر است که مورد توجه نیومن قرار گرفت. وی از اینکه ساختمانی در محلی ساخته شود به گونه‌ای که شکل و نمای کاملاً متفاوت نسبت به بقیه ساختمانها داشته باشد مخالف است. همچنین پیشنهاد می‌کند که ساختمان‌های بلند و متراکم را به افرادی که درآمد پایین دارند نباید اجاره داد، زیرا که آنها نسبت به جنایت حساس و آسیب‌پذیر



▲ قلمرو نمادین: اسکار نیومن

می‌باشند.^{۱۴}

نیومن در مورد تزئینات ساختمان و ظرافت کاری‌های داخلی به استحکام و مقاومت این تزئینات توجه می‌کند. البته اشاره داشت که این سختی و مقاومت گاهی می‌تواند باعث ایجاد حس تخریب در افراد شود، به این گونه که میل به این که میزان تخریب آثار را مشاهده کنند در آنها ایجاد گردد.^{۱۵}

۴-۳- کنارهم قرارگرفتن مناطق مسکونی و تأسیسات دیگر^{۱۶}

نیومن با شماره به این مطلب که بخشی از امنیت مناطق که در کنارهم قراردارند از طریق موقعیت جغرافیایی و راهبری که توسط تسهیلات مشترک به میزان زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرند، بیان داشت که خانه‌های مسکونی باید در کنار تسهیلات تجاری و اجتماعی باشند. این موضوع به پیشرفت امنیت در یک منطقه کمک می‌کند. در خصوص پارکها و زمین‌های بازی دستوراالعمل او به گونه‌ای است که این مناطق از خانه‌ها قابل رؤیت باشند. پس این مناطق نباید چندان از خانه‌ها و مناطق مسکونی به دور باشند.

در تحقیقات اولیه نیومن عوامل اجتماعی و جامعه‌شناسی مشاهده نمی‌گردید و این عدم توجه او باعث انتقاداتی به روش اوست. با این حال نظریات او به سرعت در ایالات متحده و انگلستان شهرت یافتند. او در بخش‌های زیادی در جهان تأثیر چشمگیری بر طراحی خانه‌سازی گذشته بود.

او در تحقیقات بعدی خود توجه بیشتری به عوامل اجتماعی کرد و مردم را در مرکز بررسی‌های خود قرار داد. در کتاب خود با عنوان اشتراک علاقه که در سال ۱۹۸۲ به چاپ رسید با توجه به «سن» و «روش زندگی» به تفکیک نژادی پرداخت و بیان داشت افراد مشابه باید در کنار هم، در یک گروه زندگی کنند (محیط‌های کوچک). این موضوع تأثیر مثبتی بر ارتباط بین افراد دارد، چراکه آنها چیزهای مشترک زیادی خواهند داشت. این دقیقاً همان چیزی است که اسکار نیومن «اشتراک علاقه» نامید. چنین اشتراکی به صورت طبیعی باعث حفظ محیط پیرامون خانه‌ها و مراقبت از آنها می‌شود.^{۱۷}

۴) نظریه توزیع جنایت

در حالیکه جاکوبز، نیومن و دیگران در حال بسط و گسترش اصول فضای تدافعی خویش بودند، پاتریشیا و برانتینگهام^{۱۸} در شهر تالاهاسی^{۱۹} و فلوریدا^{۲۰} به نظریه‌های دیگری می‌پرداختند. تحقیقات آنان نتایج مهمی را در برداشت.

آنان به این مسأله دست یافتند که نیمی از بزه‌کاران در یک منطقه بزرگ مانند شهر یا یک

فضاهای قابل دفاع نیومن چهار عضو اصلی طراحی داشت. این عناصر به صورت جداگانه یا در کنار هم در مفهوم فضای قابل دفاع نقش داشتند. این مفاهیم عبارتند از:

- ۱- قلمرو ۲- نظارت
- ۳- تصویر ساختمان
- ۴- کنار هم قرار گرفتن تسهیلات مسکونی در کنار تسهیلات دیگر

در تحقیقات اولیه نیومن عوامل اجتماعی و جامعه‌شناسی مشاهده نمی‌گردید و این عدم توجه او باعث انتقاداتی به روش اوست

گواه

شوند خیلی زیاد است. اگرچه هر چه مجرمین از خانه دورتر باشند، به دلیل فاصله و عدم آشنایی با منطقه احتمال بیشتری برای دستگیری آنها وجود دارد.^{۲۲} «در نتیجه اکثر جنایاتی که توسط افراد جنایتکار صورت می‌گیرد، اعم از ضرب و شتم، سرقت و یا تخریب در محدوده یک مایلی از خانه آنها اتفاق می‌افتد.»^{۲۳}

۵) نظریه مدیریت افراد و محیط

از نیمه‌های دهه ۱۹۷۰ دولت انگلیس از طریق سازمان مسکن شروع به تحقیق در رابطه با چگونگی جلوگیری از جنایات مختلف کرد. این تحقیقات زیر نظر ران کلارک صورت گرفت. وی در کتاب خود تحت عنوان «طراحی بدون جرم»^{۲۴} راهبردهای مختلفی در خصوص جلوگیری از جنایت ارائه داد.

استراتژی‌های پیشنهادی او عبارتند از:

۱-۵ - استفاده از مواد سخت: سنگ‌ها، درها و پنجره‌های محکم از وقوع جنایت جلوگیری می‌کند و عوامل محکمی در برابر تخریب هستند.

۲-۵ - جابجایی و انتقال هدف: به عنوان مثال تلفن‌های خراب را می‌توان از محل خود برداشت.

۳-۵ - از بین بردن آلت جرم: به عنوان مثال سنگ‌های آزاد که نزدیک ساختمان‌های عمومی قرار دارند باید برداشته شود. این کار در جلوگیری از تخریب مؤثر می‌باشد.

۴-۵ - کاهش مزایا برای بزه‌کاران: به عنوان مثال کالاهای ارزشمند را باید با یک کدپستی حک شده بر روی آن و شماره خانه مشخص کرد. بدین ترتیب فروش جنس دزدی برای مجرم سخت‌تر می‌شود.

۵-۵ - مراقبت و نظارت رسمی: این کار را می‌توان از طریق پلیس و موسسات امنیت خصوصی انجام داد.

۶-۵ - نظارت از طریق کارمندان (نظارت نیمه رسمی): نوعی مراقبت سریع، بدون حضور پلیس یا ساکنین محلی، ولی از طریق فردی که در همه جا با هدف مشخص حضور دارد. اما به تنهایی نمی‌تواند در مقابل جنایت دفاع کند و از آنها جلوگیری کند. این فرد می‌تواند دربان یک آپارتمان، کارگر یک مغازه یا راهنمای اتوبوس و غیره باشد.

۷-۵ - مدیریت محیط: مراقبت از خانه‌ها به عنوان مثال جلوگیری از تجمع درصد بالایی از جوانان در یک مجتمع، عدم رفت و آمد عموم در جایی که مغازه‌ها بسته است.

ران کلارک در تحقیقات بعدی خود که آن را تحت عنوان پیشگیری وضعی از جرم، تحقیقات موفقیت آمیز^{۲۵} نوشته است به بحث‌های مربوط به نظارت طبیعی پرداخته است. بسیاری از موارد



▲ کنارهم قرار گرفتن مناطق مسکونی و تأسیسات دیگر همراه با افزایش نظارت: اسکار نیومن

رو یک محله کوچک و کشیده نسبت به یک محله متراکم پوسته بیشتری دارد و در نتیجه، خطر ارتکاب جرم نیز بیشتر می‌شود.^{۲۱} پاتریشیا و برانتینگهام ضمن بررسی تفاوت دو نوع جرم عاطفی-عجولانه و جرایم فرصت‌مدار، دو سؤال را مطرح کردند:

مجرمین بیشتر با چه مناطقی آشنا هستند (در چه مناطقی فعالیت می‌کنند)؟
مجرمین در طول تحقیقات خود به چه کلیدها و علائمی توجه می‌کنند؟

پس از آن، این سؤالات موضوع بسیاری از تحقیقات شدند. بعضی از محققین توجه خود را به خانه‌های مجرمین متمرکز کردند، در حالیکه محققین دیگر بر جاهایی که این جنایات اتفاق می‌افتادند، تمرکز داشتند. نتایج آنها عنوان

ناحیه خاص بیشتر به صورت مخفی هستند تا اینکه به صورت علنی زندگی کنند. آنان به این مسأله پی بردند که تفاوت‌های چشمگیری بین محوطه‌های خاص و تعداد جرایم صورت گرفته وجود دارد، اما این تفاوت‌ها در این مناطق توزیع شده بودند. آنها به بررسی این موضوع پرداختند که جرایم در کجا رخ می‌دهد و آیا بین ساختمان‌های آپارتمانی در اطراف محله‌های مشابه و ساختمان‌های نزدیک تمایزی وجود دارد. همچنین به این موضوع دست یافتند که در پوسته محله نسبت به ساختمان‌های داخلی، جرایم بیشتری روی می‌دهد. جهت توضیح این پدیده آنها به تحقیق در رابطه با رفتار مجرمین پرداختند. همچنین آنها دریافتند که طراحی نقشه محله در نتایج حاصل از تعداد و توزیع



می‌کردند که احتمال اینکه مجرمین مستقیماً همسایگان محله خود را برای کار خود انتخاب کنند، بسیار کم است؛ زیرا شانس اینکه شناخته

جنایاتی که در آن صورت می‌گیرد تأثیر دارد. علاوه بر این ارتباط بین پوسته مرکز محله نیز می‌تواند تحت تأثیر نقشه آن قرار بگیرد. از این

یک محله کوچک و کشیده نسبت به یک محله متراکم پوسته بیشتری دارد و در نتیجه، خطر ارتکاب جرم نیز بیشتر می‌شود

احتمال اینکه مجرمین مستقیماً همسایگان محله خود را برای کار خود انتخاب کنند، بسیار کم است؛ زیرا شانس اینکه شناخته شوند خیلی زیاد است. اگرچه هر چه مجرمین از خانه دورتر باشند، به دلیل فاصله و عدم آشنایی با منطقه احتمال بیشتری برای دستگیری آنها وجود دارد

گواه



▲ اصلاح دیوارنوشته‌ها (نظریه معماری عامل تعیین کننده رفتار): آلیس کلمن

توصیه شده شامل استفاده از فضا و مدیریت افراد و محیط است که فراتر از محدوده طراحی و برنامه‌ریزی است. اگر چه در صورتی که به صورت تاریخی به موضوعات تاریخی توجه شود می‌توان فهمید که این موارد بسیار حائز اهمیت می‌باشند. این فهرست موضوعاتی را عنوان می‌کند که باعث کاهش موارد خاص جنایی می‌شوند و می‌توان فهمید که از طریق مدیریت محیط و افراد، حل این مشکل ساده‌تر، ارزاتر و راحت‌تر از ایجاد یک محیط دژ مانند خواهد بود.^{۲۶}

با گذر زمان مباحث راجع به طراحی محیط و پیشگیری از جرم شکل کاربردی‌تر به خود گرفت و از حالت شعار مانند به واقعیت نزدیک‌تر گشت. در این مرحله محققین نظریات خود را به صورت کاربردی‌تر مطرح ساختند.

ب- نظریه‌های محققین CPTED:

نسل دوم

نظریات مرتبط با طراحی محیط و نقش آن در پیشگیری از جرم در طول تاریخ با تحولات فراوانی روبرو شد. در واقع با گذر زمان نقش تعیین کننده طراحی محیط در پیشگیری از وقوع جرم بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. در دوره دوم می‌توان به نظریه‌هایی از قبیل نظریه معماری عامل تعیین کننده رفتار، نظریه بهبود منظره، نظریه کوچک‌سازی محله‌ها و نظریه ترکیب فضا اشاره داشت.

(۱) نظریه معماری عامل تعیین کننده

رفتار

آلیس کلمن، عضو واحد تحقیقات زمینی دانشگاه کینگ لندن، نقش مهمی در پیشرفت اصول طراحی بدون جرم ایفا کرد. وی در سال ۱۹۸۵ کتابی را به چاپ رسانید که بسیار بحث‌برانگیز بود. کتاب وی تحت عنوان «آرمان‌گرایی در محاکمه: خیال و واقعیت در خانه‌های طراحی شده» به چاپ رسید. اهمیت عمده این کتاب به دلیل حمایت نظریات این نویسنده

توسط نخست وزیر وقت «مارگارت تاچر» بود. آلیس کلمن یک ضعف عمده داشت و آن این بود که به اعتقاد وی معماری رفتار را تعیین می‌کند نه اینکه بر آن اثر بگذارد. وی در نظرات خود، معماران و طراحان را در مورد ساختمان‌های بلند مورد انتقاد قرار می‌داد. از نظر وی طراحی این ساختمان‌های نه اقتصادی بود و نه به لحاظ رفتاری صحیح. در عوض معماران نیز نظریه‌های وی را مغرضانه می‌پنداشتند.

کلمن در کتاب خود به بررسی و تحقیق در مورد ساختمان‌های بلند و آپارتمان‌های دوپلکس پرداخت و مسائلی از قبیل ریختن زباله، دیوار نویسی‌های مستهجن، خشونت و آسیب‌های جنسی را مورد مطالعه قرار داد. تحقیقات او نشان داد که هر چه طرح‌های ضعیف‌تر بیشتر ساخته شده باشند، این مشکلات اجتماعی شایع‌تر خواهد بود. او متغیرهایی را نشان داد که در ایجاد این ویژگی‌ها تاثیرگذار بودند. متغیرهایی که آلیس کلمن بررسی کرد، عبارتند از:

اندازه: شامل خانه‌های مسکونی در هر ساختمان، تعداد طبقات، دوپلکس یا معمولی بودن آپارتمان.

این متغیر به تعداد افرادی که در یک ساختمان زندگی می‌کنند، می‌پردازد. هر چه تعداد افراد بیشتر باشد، شناسایی همدیگر نیز سخت‌تر خواهد شد و بیشتر سعی خواهد شد به صورت ناشناس باقی بمانند.

طبق نظر وی آپارتمان‌های معمولی از دوپلکس بهتر است. او ارتفاع زیاد برای کودکان را مناسب نمی‌داند. آپارتمان‌ها باید دارای فضای بازی مناسب و قابل رؤیت توسط بزرگسالان باشد.

- چرخش: شامل دیوارهای فوقانی، خروجی‌های متصل به هم، آسانسورها و پله‌های متصل به هم، تعداد خانه‌های مسکونی در هر کریدور.

هر چه افراد بیشتر بتوانند در داخل ساختمان و بین آن بگردند، کار آنها راحت‌تر می‌شود. بیشتر جرایم در نقاط عمیق و راه‌های فرار

صورت می‌گیرد. از نظر کلمن، دیوارهای فوقانی، آسانسورها و پله‌هایی که با یکدیگر ارتباط دارند و کریدورهای بلند، امکان وقوع جرم و رفتارهای ضد اجتماعی را آسان‌تر می‌سازند.

- ورودی: متغیرهای مربوط به ورودی عبارتند از: نوع در ورودی، موقعیت قسمت ورودی، درها یا دریچه‌ها، گاراژها و تأسیسات.

قسمت ورودی ساختمان، نقطه‌ای کلیدی است که از طریق آن، هر کس می‌تواند وارد ساختمان شود و باید به گونه‌ای طراحی شده باشد که به ساکنین خوش آمد بگوید، اما مهاجمین را از ورود به ساختمان باز دارد.

- زمین‌ها: شامل ساختمان‌های هر زمین، نقاط قابل دسترسی در هر زمین، مناطق بازی و بخش‌های فضایی می‌باشد.^{۲۷}

کلمن عنوان می‌کند که نقشه زمین‌های ساختمان تاثیر بسیار عمده‌ای بر درجه اختلالات اجتماعی دارند. در صورتی که افرادی که در بیرون از ساختمان هستند، بتوانند راحت به همه چیز دست پیدا کنند، مناطق عمومی ناشناخته به همراه راه‌های فرار از جرم شکل خواهد گرفت. در چنین محیط‌هایی، دفاع از ساختمان‌های شخصی از طریق نظارت بر ورود و خروج افراد کار مشکلی خواهد بود و لازم است که به جای اینکه تنها به خیابان توجه داشته باشیم، به جهات دیگر نیز توجه کنیم.

این تحقیق به این موضوع دست یافت که در اغلب موارد، محیط بازی محیط فساد، جرم و بحث و دعوا بوده است. بهتر است کودکان نوپا در خانه و کودکانی که کمی بزرگ‌تر شده‌اند، در پارک‌های عمومی بازی کنند. اما در هر دو حالت باید محیط به گونه‌ای طراحی شده باشد که امکان نظارت و مراقبت بزرگترها وجود داشته باشد.

در مورد بخش‌های فضایی، کلمن سه نوع فضا را می‌شناسد:

۱-۱- فضاهای نیمه خصوصی: مانند باغچه‌های شخصی در قسمت عقب یا جلو ساختمان مشخصی ساخته می‌شود.

آلیس کلمن یک ضعف عمده داشت و آن این بود که به اعتقاد وی معماری رفتار را تعیین می‌کند نه اینکه بر آن اثر بگذارد

بیشتر جرایم در نقاط عمیق و راه‌های فرار صورت می‌گیرد. از نظر کلمن، دیوارهای فوقانی، آسانسورها و پله‌هایی که با یکدیگر ارتباط دارند و کریدورهای بلند، امکان وقوع جرم و رفتارهای ضد اجتماعی را آسان‌تر می‌سازند

گواه

۱-۲- فضاهای نیمه عمومی: فضاهایی است که ساکنین یک ساختمان چند طبقه از آن به صورت مشترک استفاده می‌کنند.

۱-۳- فضاهای مشترک پیچیده و آشفته: فضاهایی هستند که برای تمامی افراد خارج ساختمان یا شهرک باز می‌باشند. از نظر او فضاهای نیمه خصوصی و نیمه عمومی قابل قبول می‌باشند، اما فضاهای مشترک و آشفته، فضاهایی نامطلوب می‌باشند.

وی پیشنهاد می‌دهد که از طریق ساخت فضاها یا واگذاری مالکیت زمین‌ها به هر یک از واحدهای مسکونی یا ساختمان‌ها می‌توان این فضاهای مشترک آشفته را از بین برد. بدین ترتیب، حرکت عابرین پیاده و ماشین‌ها در داخل یک شهرک مسکونی محدود به خیابان‌های مشترک شهرک می‌شود. هر ساختمان به صورت یک واحد شخصی و مجزا در می‌آید و مفهوم و ویژگی «شهرک» حفظ می‌شود. این نوع «خصوصی سازی» فضا باعث می‌شود که هر یک از افراد صاحبخانه یا ساکنین این خانه‌ها بر همه مناطق کنترل داشته باشند و نسبت به آن احساس مسئولیت کنند و یک محیط مسکونی را شکل دهند.

۲) نظریه بهبود منظره

یکی از مهمترین موضوعات در رابطه با CPTED پرداخته است، ارتباط CPTED با جامعه آزاد است.^{۲۸} این موضوع در فرهنگ بسیاری از کشورهای غربی به خصوص کشورهای اسکانندیناوی حائز اهمیت است. تفاوت عمده‌ای بین امنیت تجربی و خیالی از یک سو و امنیت حقیقی و واقعی از سوی دیگر وجود دارد. تصویر جرایمی که از طریق رسانه‌ها گزارش می‌شود در اغلب موارد گویای تصویری بسیار متفاوت در رابطه با میزان آماري با خطر جنایات واقعی است. با این ذهنیت که احساس امنیت یا عدم امنیت تا حدودی با سن و جنس افراد در ارتباط است، این سؤال را می‌توان مطرح کرد که چه سطحی از خطر برای شروع کار مورد قبول و مجاز است؟ گراندلند این موضوع را مفهوم اصلی «طراحی بدون جرم» از طریق محیط و ساخت شهری معاصر دانست.^{۲۹} نتایج تحقیقات گراندلند نشان داد که:

تفاوت‌های اجتماعی بر روش طراحی بدون جرم محیط تأثیر می‌گذارند.
CPTED با ترس واقعی یا اکتسابی ناشی از جرم رابطه دارد.

به دلیل عدم وجود افراد ماهر و ساختارهای مناسب، دولت‌های محلی و مرکزی عموماً علاقه‌ای به این موضوع ندارند. شرکت‌های بیمه اغلب به موضوع فنی بیمه علاقمند هستند نه به کاهش اصولی جرم.

مشکلات اجرایی از قبیل مقاومت معماران (ایدئولوژیکی و اقتصادی) و مقاومت سازندگان (اقتصادی و نداشتن علم و تجربه) در رابطه با بحث CPTED وجود دارد.^{۳۰}

گرانلند با بررسی پروژه‌های مختلف پیشنهاد می‌کند که طراحی بیشتر باید به شکل‌های سنتی پیشرفت نماید و نشان داد که فضاهای خارجی که به خوبی سازمان یافته باشند و منظره بهتری نسبت به در ورودی داشته باشند بهتر می‌توانند از وقوع جرم و تخریب جلوگیری کنند.

۳) نظریه کوچک سازی محله‌ها^{۳۱}

این نظریه در سال ۱۹۷۲ توسط گری کلوند مطرح گردید. وی به بررسی طرح ساخت محیط به عنوان اولین قدم ایجاد جوامع پایدار و سالم پرداخت. گری کلوند در مقاله خود تحت عنوان دومین نسل CPTED: پادزهری برای ویروس‌های اجتماعی طراحی شهری^{۳۲} اقدام به بررسی استانداردهای طراحی محیط فیزیکی و ارتباط آن با زندگی افراد کرده است. این استانداردها عبارتند از:

۱-۳- اندازه منطقه، تراکم و تفاوت خانه‌های مسکونی و تعداد سکنه.

۲-۳- اهمیت مکان‌های ملاقات شهری که بدون آنها امکان شهری خالی و خطرناک خواهد بود.

۳-۳- فراهم آوردن تسهیلات به خصوص کلوب‌هایی برای جوانان.

۴-۳- حضور ساکنین شهر.

۵-۳- مسئولیت ساکنین شهر.

استانداردهای وی نشان داد که به شکل تازه‌ای از پیشرفت اکولوژی از طریق اصول طراحی سنتی CPTED معتقد است. علاوه بر این نظر خود را به مسائل دیگر از قبیل مسئولیت ساکنین، حضور آنها و تسهیلات نیز معطوف ساخته است.

او برای رسیدن به این استانداردها پیشنهاد می‌کند که محله‌ها را باید کوچک تر ساخت. از طریق این مسأله می‌توان ارتباطات محلی، اجتماعی و اقتصادی را پیشرفت داد. ساخت محله‌های کوچکتر موجب بهبود روابط اجتماعی می‌گردد بنا براین به نظر وی برنامه ریزان باید بدون هر نوع تعصبی مهارت‌های ساخت محله کوچکتر را پرورش دهند. راه حل نهایی CPTED از نظر گری کلوند به این گونه است: راه حل‌های اجتماعی و فیزیکی به درستی به صورت راه حل‌های اکولوژیکی در بیایند.

۴) نظریه ترکیب فضا^{۳۳}

بیل هیلبر به بررسی اصلاح مناطق شهری از طریق طراحی شهری پرداخت. وی نظرات خود را در قالب تئوری ترکیب فضا^{۳۴} مطرح ساخت. ترکیب فضا ابزار توضیح دیدگاه‌های اجتماعی

در رابطه با روابط بین رفتار انسان و استفاده از فضا است. وی بیان داشت که مهمترین عامل در بررسی معماری، ویژگی‌های قابل رؤیت نمی‌باشد بلکه روشی است که طبق آن از رشته‌ای از فضا استفاده می‌شود. این تکنیک باعث می‌شود که بتوانیم تأثیرات طراحی را در کنار همدیگر ارزیابی و اندازه‌گیری کنیم به گونه‌ای که این طرح‌ها شکل گرفته و به صورت عینی مورد ارزیابی قرار بگیرند.^{۳۵}

هیلبر به تحقیق در رابطه با شکل‌های مختلف خانه سازی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هر یک دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشند. بررسی‌های هیلبر نشان داده که:

۱-۴- احتمال زیادی می‌رود که جرایم در جاهایی که ساکت است و ارتباط کمی با مکان‌های دیگر دارد، بیشتر اتفاق افتد. فرم ساخت و استفاده از مکان‌ها در میزان ارتکاب جرم در آنها وجود دارد به خصوص در مکان‌هایی که تفاوت زیادی بین فضاهای خصوصی و عمومی وجود نداشته باشد و نظارت طبیعی بر آن کم باشد.

۲-۴- وضعیت پیاده‌روها و چگونگی حرکت عابرین پیاده مستقیماً با درجه دستیابی به فضا و خیابان‌هایی که حرکت عابرین در آنها بیشتر است، وجود دارد.

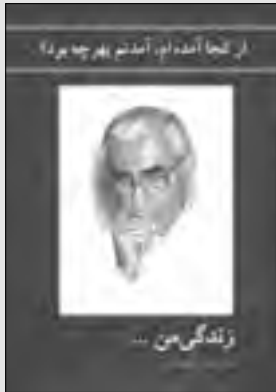
۳-۴- ارتباط مستقیمی بین خانه‌هایی که به سمت جلو پیش رفته‌اند که باعث ایجاد فضاهای خالی شده‌اند و ترس از جرم در حرکت عابرین پیاده وجود دارد.^{۳۶}

اندیشمندان متعددی درباره اهمیت فضاهای قابل دفاع به بحث پرداخته‌اند. با توجه به این مسأله شناخت این فضاها و ارائه راهکارهای مفید جهت قابل دفاع نمودن فضاهای غیر قابل دفاع موضوع مباحث آتی در این تحقیق خواهد بود.^{۳۷}

نتیجه‌گیری:

بی‌شک رابطه انسان با مکان یا به طور کلی محیط پیرامون او به وسیله مجموعه کنش‌های او نمود می‌یابد. به دیگر سخن مجموعه رفتارهای بشر، با تمامی امکانات و شرایطی که در اختیار او قرار می‌دهد سنگ بنای این ارتباط را شکل می‌دهد. هر انسان با توجه به سطح آگاهی، دانش و توان فنی خود به دخل و تصرف در محیط پرداخته و از طرفی این شرایط محیطی و مکانی است که حدود و نحوه عمل و شیوه رفتارهای او را مشخص می‌نماید. به طور کلی تمامی ناهنجاری‌ها و مفاسد اجتماعی و هر فعل و ترک فعل که تحت عنوان جرم شناخته می‌شود به هر نحوی که از انسان سر بزند دارای بستر زمانی و مکانی است. به بیان





معرفه کتاب

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود؟
زندگی من
(زندگی نامه دکتر ناصر کاتوزیان)
این کتاب خود سرگذشت‌نامه
(اتوبیوگرافی) استاد دکتر ناصر کاتوزیان
است که در پایان سال ۸۵ منتشر شد.
نگارنده در این اثر در سه بخش دوران
کودکی و نوجوانی، دوران قضاوت و
دوران دانشگاهی به زندگی پر فراز و
نشیب خود پرداخته است.
نثر صمیمی، زیبا و رسا از یک سو و
عشق و علاقه همیشگی استاد به عدالت
و حق‌جویی در جای جای متن کتاب به
چشم می‌خورد.
استاد در آغاز مقدمه در مورد انگیزه خود
از نگارش این اثر، این چنین آورده‌اند:
«سالانی چند است که نزدیکان و دوستان
به تکرار پیشنهاد می‌کنند که زندگینامه
خود را تدوین و منتشر کنم تا نسل جوان
بتواند از شمع پیشین چراغی برای راه
آینده بسازد و بداند که گذر از موانع
چه هزینه‌هایی دارد. همه می‌خواستند
بدانند، از کجا آمده‌ام و به کدام مسیر در
حرکت و هدفم چیست؟»
در جای دیگر نیز چنین نگاه‌شده‌اند:
«..... داستان زندگی، بویژه اگر با چاشنی
آرمان فلسفی و اخلاقی نویسنده همراه
باشد، به مراتب مؤثرتر از شرح قانون
و نقد نظریه‌های مجرد است، هر حادثه
پندی است و هر تصمیم مایه عبرتی»
کتاب مورد بحث که در صفحات آخر
خود حاوی تصاویر جالبی از تقدیر
نامه‌ها و نشان‌های استاد است در ۳۲۸
صفحه و با قیمت ۴۲۵۰ تومان و توسط
شرکت سهامی انتشار روانه بازار کتاب
شده و مطالعه آن به فعالان رشته حقوق
خصوصاً دانشجویان، اساتید و قضات
توصیه می‌شود.

گواه

- ۱۹ - Tallahassee
۲۰ - Florida
۲۱ - Brantingham, P. L., & Brantingham, P. J. (1975a). Residential burglary and urban form. *Urban Studies*, 12, 273-284.
۲۲- Ibid. p:290
۲۳ - Wright, R., & Logie, R. H. (1988). How young house burglars choose targets. *The Howard Journal*, 27, 92.
۲۴ - design out crime
۲۵ - See: Clarke, R. V. (1980b). Situational crime prevention: Its theory basis and practical scope. In M. Tonry & N. Morris (Eds.), *Crime and justice: An annual review of research*, 4. Chicago: University of Chicago Press.
۲۶- See: Clarke, A., & Lewis, M. (1982). Fear of crime among the elderly. *British Journal of Criminology*, 22, 49-62
۲۷ - Coleman, C.A. and Bottomley, A.K. (1976) police conceptions of crime and "No crime", *Criminal Law Review*, June 344-60
۲۸ - بگرائلند از موسسه رویال دنیس دانشگاه هنرهای زیبای معماری به این موضوع پرداخته است.
۲۹ - See: <http://www.vnip.com/neighborshelpingneighbors/> 2002.
۳۰ - Ibid. P: 152.
۳۱-Gerry Cleveland
۳۲-Gerry Cleveland, Second generation CPTED: An antidoto to the social virus of urban design. 1976, 175-198
۳۳ - Bill Hiller
۳۴ - Space syntex theory
۳۵-See: Hillier, W. In defence of space. *RIBA Journal*, 1973, November.
۳۶ - Poveda, T. (1972). The fear of crime in a small town. *Crime and Delinquency*, 18, 147-153.
۳۷ - برای مطالعه بیشتر در خصوص نظریات رجوع کنید: بیان کوهن، طراحی عاری از جرم، ترجمه دکتر حمیدرضا عامری سیاهویی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۵

دیگر تمامی اعمال مجرمانه دارای ظرف مکانی و زمانی خاص هستند که آنها را از هم متمایز می‌سازد. در این خصوص اندیشمندان متعددی به بحث پرداخته و هریک به نوعی تأثیر محیط بر جرم را پذیرفته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱ - نیومن، اسکار، نقش طراحی شهری در ایجاد فضاهای قابل دفاع، ترجمه نسیم ایرانمنش، شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره ۴۱، ۱۳۸۱، ص ۱۸
۲ - برای اطلاعات بیشتر در خصوص خشونت، رک. علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۷؛ میزگرد درباره "خشونت و دوران گذار" نشریه امنیت شماره ۱۱ و ۱۲، وزارت کشور، ۱۳۷۹.
۳- Crime prevention through environmental design (CPTED)
۴ - Elizabeth Wood
۵- Surveillance
۶ - W. S. Laufer, F. Adles(eds), *The Criminology of criminal law*, Transaction publishes, 1999, P:430
۷ - See: Jacobs, Jane. *The Death and Life of Great American Cities*. New York: Vintage Book, 1961
۸ - Newman, O. (1972) *Defensible Space: Crime prevention through urban design*. New York: Macmillan. P: 159
۹ - Territoriality
۱۰ - Ibid. p: 162
۱۱- Surveillance
۱۲ - تداوم این تفکر در برخی موارد منجر به تجاوز حریم خصوصی افراد می‌شود. این امر یکی از ایرادهایی است که به پیشگیری وضعی از جرم می‌شود.
۱۳ - Building Image
۱۴ - Newman, O. (1976). *Design guidelines for creating defensible spaces*. Washington, DC: U.S. Government Printing Office.P: 49
۱۵ - همان ص ۶۶.
۱۶ - Juxtaposition of residential areas with other facilities
۱۷- See: Newman, O., & Frank, K. (۱۹۸۲). *The effects of building size on personal crime and fear of crime. Population and Environment*, ۵, ۲۰۳-۲۲۰.
۱۸- Patricia and Barntingham